

نکوهش اصفهان پس از ستایش

«دیروز شعر - امروز شر»

همان اصفهان که دیروز در شماره دوم ارمغان بزبان شعر در طی يك چكامه فرزندان باستان اورا که نماینده عظمت و مظاهر نزرگواری دنیا بودند بایک عالم افتخار نام بردیم . همان اصفهان که صفحات تاریخ کهنش بسخاوت - شجاعت - فراست نزرگواری - شعر ادب - ایران مداری مشعشع و روشن است . همان اصفهان : امروز در زیر کابوس خرافات فاقد الحس و در مقابل سیل اوهام خراب بنیان است .

آری برای فنای يك ملت و هلاک يك مملکت بحکم تجربه جز فساد اخلاق مرضی وجود ندارد . هرملتی که بااخلاق حسنه و احساسات پاک آشنا است از زوال بیگانه و از ذلت دوراست . برعکس هر ملتی که بافساد اخلاق و احساسات تیره توام است از سعادت و استقلال طاق و با ذلت واضمحلال جفت است . باری سیل فساد اخلاق که از سرچشمه اوهام و خرافات همواره جوشش میکند چنان برای خرابی بنیان اصفهان طغیان نموده که تاریخ بشریت نظیر آنرا کمتر نشان میدهد .

اصفهان : در ظلمت فساد اخلاق درقرن منور جهان ندانسته در فاصله پنج شش سال سه مذهب عوض نموده یعنی اول بز پرست دوم آتش پرست سیم (آردچی پرست) یا دستاس پرست شده . آیا این کوس رسوائی اصفهان را برسر بازارجهان کدام کس میزند !!

قطبیک مشت شباد و یک دسته مفت خوار دشمن اسلام و خصم ملت ایران که هر روز در طنبور اوهام نعمه‌نو زیاد کرده و عوام کالانعام را آلت اجرای مقاصد شهوت پرستانه خویش مینمایند .

عجبا ملتی که هنوز بنی اسرائیل را بواسطه گوساله پرستی شماتت میکنند خود بدرجه (ریش گاواست) (۱) که یک نزد راز ریش را سالها در یک سقا خانه قبله قرار داده و پیرامنش بطواف اشتغال ورزیده و پس از مردن علی رغم تمام شرایع وادبان او را دفن و کفن مینمایند .

اسفا روحانی نمایان شریعت غراء مقدسی که اصول دیانت آنان معجزه را به پیغمبران مرسل انحصار داده و کرامت را در اولیا و اوصیا حصر فرموده برای انجام اغراض نفسانه، خویش یک دخمه

نقر از ملاهای یهوداست و بحکم حدس صائب دخمه یک نفر از اتباع خلفاء عباسی است که در اصفهان سمت ولایت و حکمرانی داشته ، نخست زاده امامش خوانده سپس در فاصله دوسه ماه پنجهزار کور و ده هزار شل و صد هزار فالج و غیره را برخلاف حس بمعجزه او شفا می بخشند .

کی دانستم اهل صفاهان کورند با آنهم سرمه کن صفاهان خیزد در نتیجه این معجزات که نظیر آن از قبور و مشاهد پیغمبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام دیده نشده و یک آتش پرستی مخصوص یعنی (چراغان) شبانه روزی در ظرف یک ماه چندین میلیون نفت و شمع و قند و

شکر و چای روس و انگلیس را مصرف نموده . و پس از ریختن بسی خون ییگناه و بیاد رفتن اعراض و نوا میس بسیاری ساده لوحان « متولی باشی استفاده چی » را قادر ساخت که ده روزه پنجهزار من شمع و مبلغ هنگفتی پارچه و طلا و نقره مسکوک و غیره مسکوک تصاحب نماید .

آیا در این میانه فائده عوام بیچاره چه بود !!!

ابله، کوروز روشن شمع کافوری نهد

زود باشد کش شب ررغن نماند در چراغ

و آ اقتضا حا : که امرز دیگر « اردچی » یا دستاس شروع بمعجزه کرده و تنور کرم شهوت را نان دزد برای آرد کردن استخوان نوده ملت با سیل خرافات این آسیا را بحرکت آورده .

چشم بازو گوش بازو این عمی حیرتم از چشم بندی خدا البته مردمان منورالفکر و دانشمند راست که در اصفهان و و سایر جاها بنام اسلامیت و ابرانیت با آب موعظه و اندرز آتش این مصائب را خاموش کنند .

و مخصوصاً ادبا و شعرا که همواره ذمه دار خاموش کردن آتش اینگونه خرافات بوده و هستند در این موقع هم برای انجام وظیفه باید قیام نمایند .

چنانچه خواه شیرازی در نکوهش شیخی که هنگام نماز گربه اش شرط متابعت او را بجای می آورده و حرکات تعلیمی يك حیوان بی عقل را کرامت برای خود می خواند .

چنین میفرماید

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد آغاز مکر با فلک حقه باز کرد
 بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد
 فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمند هر روی که عمل بر مجاز کرد
 ای بک خوش خرام کجا میروی ایست غره مشو که گره عابد نماز کرد
 و اکنون هم در اصفهان یک ادیب دانشمند آقای « مکر م » حبيب
 آبادی با زبان مخصوص ادبی و سبک تازه که با گوش عوام آشنا و هم
 جالب نظر خواص است زبان تنقید و نکوهش برشیا دان گشوده در
 بیداری عوام از هیچ گونه فداکاری مضایقه نکرده است .
 ما این ادیب شجاع فداکار را تبریک و تهنیت گفته و همواره
 از وظیفه تشویق و ترغیب او کوتاهی نخواهیم کرد . و در نمرات
 آتیه از اشعار شیرین او برای قارئین و ادبای محترم ارمغان
 خواهیم فرستاد .

اخیراً شنیده ایم یک نفر آخوند که برادر زاده اش رد بر قرآن نوشته
 و پسر ارشدش با سرمایه رشوه و حکم فروشی همه شب را بله و ولع
 و فاحشه بروز میسراند طرفیت با یک نفر ادیب وظیفه شناس را
 پیشه کرده و عوام بیچاره را بقتل او تشویق و ترغیب نموده است .
 ما بنام ادبیات و پاس احترام ادباء از پیشگاه حکومت جلیله و علمای
 اعلام اصفهان خواهش میکنیم که محض حفظ ناموس اسلام و وطن
 از این حرکات جلو گیری فرموده بدوره بزرستی و بت پرستی اصفهان
 خاتمه دهند و از تمام شعرا و ادبای مملکت خواهش میکنیم که با آقای
 مکر م همدردی و همراهی پیشه ساخته نگذارند لگد کوب پای
 اغراض گردد .
 (وحید)